

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

س.رها
۳۰ جون ۲۰۱۳

حزب «گلم جم» و نبرد بر سر چوکی و مقام

از چند روز بدینسو یخن پارگی ها در درون «گلم جم» ها (جنبش ملی اسلامی)، بین دوستم (رهبری جنبش ملی) و عالم ساعی (معاون جنبش و والی جوزجان) پدیدار گشته که هریک دیگری را متهم به خیانت و جنایت کرده و خود را در واقع افساءگر این جنایات ها قلم داد می کند.

دوستم که خود را قدرت تکتاز سمت شمال می خواند، هیچ گونه اصطکاک را در مقابل چرخ جنایت و استبداد خود پذیرفته نتوانسته و از طرف دیگر نمی خواهد که حتی از درون حزب خودش کسی سر بلند کرده و مقامش را به مخاطره بیندازد، بالای معاون جنبش حمله کرده و آن را سرکوب می کند که چرا با دولت مرکزی (اداره مستعمره و پوشالی) همکاری دارد و بعد از وحشیگریها سر و صدا راه انداخته که "بنده بعد از این که درخواستم مبنی بر تشکیل جلسه باساعی از طرف او رد شد، این بار خواستم خودم پیش ساعی رفته و ترتیب جلسه را بدهیم، بعد از این که نزدیک خانه ساعی رسیدیم آنها بالای ما فیر کرده و افراد مرا زخمی ساخته است و این کار ساعی قلدوری و در مخالفت با قانون قرار دارد"، دوستم می افزاید: "عالم ساعی یک شخص بی پروا و دارای مفاصد اخلاقی نیز می باشد".

از طرف دیگر، عالم ساعی با رد این ادعاهای دوستم، چره می پراگند که "دوستم به طور خود سرانه مردم سمت شمال را مسلح ساخته و می خواهد علیه دولت- به خصوص من که والی جوزجان هستم- شورش کند و آشوب برپاکنند که خوشبختانه من جلوی این کار دوستم را که در مغایرت باقانون و امنیت قرار دارد، گرفتم".

برای جنایتکاران که هیچ چیز جز چوکی و مقام شان، ارزش ندارند، به خاطر تضعیف جانب مقابل به قدرت نمائی پرداخته و بازور و پول خود توده های در به در را به خیابان ها کشانیده و در بدل اعطای پول و بعضی ها را هم بازور و تهدید و امی دارند تا به رسم حمایت از جانب خاصی، دست به تظاهرات برده و شعار "مرگ بر ساعی" یا "مرگ بر دوستم" را بالاکنند و چیزی که بهترین سلاح برای برانگیختن قهر توده ها در دست جنایت کاران جهادی شمرده می شود همانا دامن زدن به تعصبات قومی و ملیتی می باشد. اما در این قضیه چون هر دو جانب از یک ملیت به شمار رفته پس تغییر شعار لازم بود که دقیقاً همین کار صورت گرفت و در روز تظاهرات، رهبری کنندگان، شعار می دادند که "باوجودی که عالم ساعی از یک بوده و از قوم خود ماست اما به پشتون ها نوکری می کند"، توده های مظلوم که نمی دانند در بدل به دست آوردن چیز نا چیزی پول یا متاع دیگر، به کی ها اجازه می دهند که هر طور طبق خواست و میل شان از آنها سوء استفاده کنند، بی محابا پیمان اسارت و بردگی خود را تمدید کرده و خود هارا برای تبدیل شدن به لقمه های چرب گفتاران خونخوار آماد می کنند.

جنگ های زرگری بین جناح های مختلف جنایت کار و یاهم در درون یک جناح واحد بین افراد شان، برای رسیدن به جاه و مقام، پول و شهرت، تقریباً از دوران شاه آزاده، امان الله خان به بعد آفتابی گشته و از سی و پنج سال بدین طرف شکل و حشیانه را به خود گرفته است که قربانی این جنگ های ناعادلانه و زرگری در طی همین سی و پنج سال میلیون ها خلق بی گناه و فقیر ماشده اند که به خاطری نجات از گرسنگی و فقر به دام چنین بازی های ناروا گیر مانده و خورد شدند، این بار نیز هوس به دست آوردن چوکی و رسیدن به مقام بالاتر، قربانی خود را از ملت می گیرند. بعد از چند به اصطلاح مظاهره از طرف هواداران دوستم، عالم ساعی مجبور به ترک جوزجان گشته و در کابل سکنا گزیده است و در این اواخر گفته است:

"تا زمانی که اوضاع سمت شمال کاملاً نورمال نشده است و خطر بنده را تهدید می کند، من از کابل تکان نمی خورم و پروای این را ندارم که در این مدت وظیفه ام را کی پیش می برد" ولی در مقابل، دوستم غرش و پارس کردن خود را افزایش بخشیده و زیرکانه به تجهیز قواء و تنظیم نیرو پرداخته است که گویا " این آقا آهنگ مبارزه به ضد اشغال گران را کرده است- چیزی که در نظر این جنایت کاران نامیمون ترین و ناخوشایندترین ترین مبارزه تلقی شده و معادل است با یورش بردن بر عرش اعلی و یا هم تخریب کعبه مقصود " و در ضمن بدون کدام شرمی از فساد اخلاقی معاونش که حیثیت دم خودش را دارد، یاد می کنند که هر آدم ولو هر چه ساده باشنید این فکاهیات از خنده روده بر می شود، دوستم آن زمان هائی را از یاد برده است که خودش به خاطر اهدای دختران جوان و باکره به اربابان ترکی اش و تجاوز بیرحمانه بالای زنان و دختران، شهره عالم شده بود و آن مفاسد اخلاقی خود را به یاد نمی آورد که باری، در سال های خون و خیانت، زنی را به زور مدت یک ماه در پیش خود نگهداشته و با وحشی ترین و حیوانی ترین شکل به طور دسته جمعی بالای اش تجاوز می کردند و در حالی که زن بیچاره و مظلوم را در پیش تمام عساکر و قومندانان سگ صفتش لخت میکرد، شراب را از میان سینه هایش می نوشید. (زهی بی ناموسی و وطن فروشی!)

تفاوت بین کله و دم سگ وجود ندارد و کسی نیست که بگوید دمب مار خلاف سرش، مهربان و خوش آمدنی می باشد، سگ صفتی دوستم یعنی وحشیگری عالم ساعی و وحشیگری عالم ساعی یعنی درنده خوئی دوستم، هیچ تفاوت بین دوستم، ساعی، محقق، سیاف، ربانی، قانونی، گلاب زوی، گلبدین، شهنواز تنی و... وجود ندارد، تفاوت صرف در نام شان و موقعیت جنایت شان بوده که یکی در شمال مشغول سلاخی مردم بوده و دیگری در جنوب وحشت آفرینی می کند، یکی در غرب گفتار صفتی کرده و دیگری از شرق صدای خون و جنایت خود را بالا می کند و در این میان کسانی هم از قماش سپنتا، سیمانمر و دیگران یافت می شوند که این جنایت ها را تئوریزه کرده و محلول دل ناپذیری از آن می سازد که "جنگ است و هر جنگ قربانی کار دارد"

آقای سپنتا و همپالگان! جنگ تا جنگ است، جنگ عادلانه و ناعادلانه. کسی که از جنگ های عادلانه پشتیبانی کرده و در مقابل جنگ های ناعادلانه به مبارزه برمی خیزد، شجاعت و از خود گذری کار دارد که شما از آن جنس نیستید و بهتر است خپ و چپ به چوکی تان تکیه زده و به فکر جیب تان باشید چون تاریخ به درستی قضاوت خود را درباره شما هم نموده است هم چنانکه درباره ملی سرخک های هالندی قضاوت خواهد کرد، نگران نباشید!

ولی چیزی که در این میان درد آور است همانا مورد سوء استفاده قرار گرفتن توده های نا آگاه می باشند که به ناحق چند صباح و پگاهی عمر در حال احتضار این جنایت کاران را افزون می کنند ولی باز هم قضاوت تاریخ و نبردهای عادلانه در تاریخ می گویند که به هر اندازه که در یک کشور ظلم بیشتر شده باشد به همان اندازه شدت ولنت انتقامش بیشتر است و آن روز با تحمل تمام درد های زایمان طولانی اش، آمدنی است.

مرگ بر امپریالیزم و نوکران ارتجاعی اش!

زنده باد جنبش انقلابی کشور و مبارزات مردم ما!